

## شرح درگیری هایگاه کویزیا

۱۳۵۵ / ۳ / ۸

این هایگاه سه ماه قبل از درگیری بوسه های یک رفیق دختره یک رفیق مرا جاره شده بود  
رفیق مرا که در تهران نبود و میخواست بعد از سه شب به تهران بیاید این دو رفیق  
میخواستند هایگاه و یک اطاقی تنی را توجیه میکردند که یکی از آن هایگاه ها همان هایگاه  
است که رفقا در کویزیا درگیر شدند و دیگری در شهرستان بود و طور متوسط هایگاه  
کویزیا هفت اویس شب عالی بود . بعد از ضربه تهران نو این هایگاه که همیشه خلوت  
است بوده یکبار هملو می شود و چندین نفر از رفقا به این هایگاه مایند و میروند . رفیق را به  
بط مرتضی رفقای دختره سر را به این هایگاه می آورد . تلفن محل کار رفیق هملو هم می رود  
و رفقای دختره سر هملو این هایگاه هملو میشوند . هر روز درگیری تعدادی از این هایگاه  
هفت نفر شدند که هملو نفرها ن چشم بسته بودند و هفت نفر از رفقا مسلح بودند .  
رفیق سر هملو دو شب بود که با سلاح سطرخان مسلح شده بود . رفیق دختره هملو فقط  
یک نارنج لیتکه ای پوشنی داشت . رفقا دوید و با هم بودند و با سایر رفقا چشم بسته میشد  
ند در اطاقی بزرگ به بند وید و آنها پرده کشیده بود . دو نفر هم نرزی بودند و دو  
رفیق هملو هم در یک <sup>اطاق</sup> هایگاه بودند . رفیق ش ه مسئول طرح دفاعی و ش ۶ رفیق دختر  
چشم بسته هایگاه بود ساعت ۱۰ روز ۸ / ۳ / ۵۵ زنگ درب کوجه بعد از آمدن چون  
زنگ قرار دادی نبود در فکای شماره ۲۹۱ فوری را دیورا بستند رفیق دختره هملو می رود  
جلوی درب بود درب را باز میکند دو نفر را میگویند ما پاسبان هستیم و چون در این خانه حرکت  
نهای مشکوک دیده شده میخواهیم آنها را بگیریم رفیق دختره هم به آنها میگوید که  
در خانه زن هست بروم با آنها بگویم چا در شان را سر کنند بعد آنها میاید داخل رفیق  
دختره فوری میگوید دو از نرزی رفیق ش ه را صدا میزند و جریا را با او میگوید رفیق  
ش ه که مسئول طرح دفاعی هایگاه است رفیق دختره چشم بسته یعنی رفیق ش ۶ را

بعلمت با تجربه بود ن جلوی درب

میفرستد که توجیه کند و سلسله را میآورد بالا در اطاق رفقای هلنی و نزدیک درب میگذارد  
 و به رفقای اطانی که چهار نفر هستند میگوید آماده باشید که این رفقا بلافاصله جخماق را  
 بالا زده را دیوار خاموش میکنند و آماده میشوند . شماره ۶ میروود جلوی درب و با ما موری  
 مشغول صحبت میشود که آنها اسم صاحبخانه و شماره تلفن را از او میپرسند . رفقای ش ۷  
 و ۸ به ش ۵ میگویند که ما تازه مخفی شده ایم . ش ۷ میگوید من سلاحی ندارم که از خودم  
 دفاع کنم ش ۵ میگوید مهم نیست ناراحت نباش و وقتی ش ۶ با پلیس صحبت میکند ش ۵ از  
 داخل حال صد میزند فریده چه شده ؟ میروود داخل حیاط . پلیس کارتش را به ش ۵  
 نشان میدهد و میگوید خبر داده اند که اینجا حرکات مشکوک میشود میخواهیم خانه را  
 بگردیم ش ۶ برمیگردد و شماره تلفن و اسم کسی را که منزل اجاره کرده را میپرسد ، پلیس از  
 ش ۵ میپرسد که در این موقع در خانه چکار میکنی ؟ ش ۵ میگوید بازاری هستم و میهمان  
 داشته ام ولی صدایش را میلرزد . نفر جلویی که کارتش را نشان میدهد افسر تجسس بود و  
 نفر عقبی با سبانه شخصی نفر جلویی که فرمانده است برگشته به نفر عقبی میگوید برو کاغذ بیا  
 - در صورت مجلس کیم خبری نیست احتمالاً منظورش این بود که برود به پلیس خبر دهد  
 ولی نفر عقبی که نگران است همه اش نگاه به کتفهای ش ۵ میکند و میترسد که نفر جلویی را  
 تنها بگذارد . چند قدم عقب میروود ولی دوباره برمیگردد . نفر جلویی بطرف داخل حال  
 میآید ش ۵ هم به آنها تعارف میکند که بیاید داخل . رفقای اطاق بزرگ فکر میکنند که  
 صاحبخانه و با همسایه ها هستند که بخانه مشکوک شده و میخواهند آنها را بگردند  
 فرمانده زیرزمین را نگاه میکند و میگوید زیرزمین هم دارید ؟ روشن بود چراغ زیرزمین توجه  
 - اش را جلب میکند ش ۵ میگوید بفرمائید و میخواهد او را ببرد زیرزمین ، در این موقع ش  
 ۵ به آنها میگوید حرکت نکنید و سلاح میکشد و سمت نفر عقبی نشانه میگیرد که سلاحش  
 گیر کرده بود و شلیک نمیکند . در این موقع ش ۶ سلاح کشیده و بطرف فرمانده میگرد و  
 شلیک میکند . او سریعاً داخل زیرزمین رفته و گلوله با او نمیخورد نفر عقبی هم دست برده  
 که سلاحش را بیرون بیاورد که ش ۵ لگدی با او میزند و او را به زمین میزند

اولند شده و فرار میکند ولی شره سرهم گلنگدن زده و سمت او شلیک میکند که گلوله  
 با او برخورد و فرار میکند . شره عقبش می رود و نزدیک دریاک شلیک سمت او میکند و وقتی  
 داشت داخل کوچه میرفت شلیک بعدی را میکند که احتمالاً گلوله به پایش برخورد کرده است  
 شره وقتی گلنگدن میزند با صدای بلند میگوید آخ که رفتای اطای شماره پانزده فکر میکند  
 که شماره هتیر خورد و دشمن تمام اطراف را محاصره کرده است و حتی داخل خانه  
 هم آمده است. همزمان با آخ گفتن شره رفتی شره که بعد از شره مسئول طرح بود به صورت  
 تیر خوردن و افتادن شره سرش را از لای درب بیرون میاورد و میبیند که یک نفر روی پله ها  
 زیر زمین ایستاده تا شرا را میبیند بطرفش تیر اندازی میکند شرا هم مرتباً سرش را از لای در  
 خارج میکند و بطرف پلهای تیر اندازی میکند و به شرا میگوید بوشنی را آماده کن شرا  
 بوشنی را از شره میگیرد که قلبی را با او میدهد ولی شره میگوید که کبریت ندارم در نتیجه هم  
 بوشنی و هم قلبی در دست رفتی شرا میماند . شرا بعد از زدن هفت هشت گلوله  
 سلاحش را میگذارد عقب میاید و به سه رایی دیگر میگوید که بطرف درن زیر زمین شلیک کنید  
 شرا که بوشنی را آماده کند که ناگهان گلوله ای از بالای سرش میخورد و جلوی او  
 میخورد . سرش را بلند میکند شرا با بالای سر خود میبیند فکر میکند که شاید شره بوده  
 که شلیک کرده است. شره خشاب را خارج کرده و روی طاقچه میگذارد و چون چخطاق  
 عقب میروید خشاب بلند را داخل اسلحه میگذارد و چون چخطاق عقب بوده ماشه را می  
 چکاند ولی شلیک نمیشود متوجه نیست که گلنگدن زده و گلوله داخل لول نیست از  
 اینکه اسلحه اش شلیک نمیکند تا راحت میشود و متوجه میشود که بازویش تیر خورد و ولی  
 جلوی اینک <sup>برای</sup> رفتار و حسیه شان را او دست ندهند هیچ صحبتی از آن نمیکند . شرا و شرو  
 بطرف در شلیک میکند شرا خم میشود که قلبی را روی زمین بگذارد که ناگهان دست او  
 روی ماشه رفت و شلیک میکند و بدون آنکه قلبی را بگذارد از زمین بلند میشود . شرا حالا  
 دریاک دستش کلت و یک قلبی و در دست دیگرش یک بوشنی است. سنگرمه رفتی و شرد

و همی بطرف زمین شلیک میکند پالسها را بجایش تکان میدهد و بطرف فلک شلیک میکند  
 و فلایش ۳۴ است بطرف حرکتش ۱ است و حتی ش ۳ بنظرش میرسد که از داخل آتشی  
 - خانه بد داخل حال برود و پالسها را بزند که این کار را نمیکند حالش افکرمیکند که خانه  
 محاصره شده است و بهتر است از همیشه اطاق خارج شوند . به فلک میگردد که بین طرف  
 نارنجها پتانز را بکشید تا خارج شوم . ش ۱ افکرمیکند اگر اطاق خارج شوند در رگبار  
 مسلسل قرار نخواهند گرفت . تا فلک اطاقها را بزند بین نارنج را میکشند و ش ۱ ضربه ای به  
 شیشه میزند و شیشه شکسته نمیشود . دوباره میروند عقب و وقتی با ضربه محکمی به  
 شیشه میزند و اینبار آتشی میکند و ش ۱ بد داخل حیاط میرود و بد نبالاش و بعدش  
 ش ۲ و در آخرش ۳ خارج میشود در اینجاست ۳ در یک دستش کلتوقلمنی بوده و در دست  
 دیگرش یک پوشین و یک نارنج پاره کنیده . دارد . اما ش ۶ وقتی میبیند داخل حال  
 تیر اندازی شده است سطرخانی را سلاح کرده به ش ۷ میدهد و مترو را از داخل کیمه ۵  
 خارج کرده و برای امتحان دستتیرا روی ماشه میبرد و فلک شلیک نمیکند . ش ۸ هنوز  
 طرفه استفاده از آن مترو را نمیدانست ولی از زمان سرپا روی واحد و دی به اسلحه آشنایی  
 داشت و مشغول درست کردن آن میشود و متوجه میشود مترو خام است آنرا از خام خارج  
 کرده روی یک تیر میگذارد بعد از مدتی ش ۸ و ۷ میبینند که صدای گلوله قطع شده است  
 و سکو خیر قرار است آهسته از اطاق خارج میشوند ولی پالسها که در زمین است یک گلوله  
 بطرف آنها شلیک میکند ش ۸ میروند اطاقی فلک چهار نفری میبینند که کسی نیست افکرمیکند  
 شخصی که در زمین است یکی از فلک است و از تیر و فلک در زمینها میگوید در فلک با بالامنش  
 ۸ هست و مسلسل هم همراه من است بیبا با هم بروم . او از زمین میگوید آیا تو پالس هستی  
 ش ۸ میگوید نه من ش ۸ هستم و میگوید مسلسل را بیا بندگان این که رفیق مشکوک میشود و این  
 کار را نمیکند ش ۸ به ش ۸ میگوید او پالس است نارنجك را روشن کن و بندگان اینها بروم .

دلش ۸ میزند شاید او روی باشد و این کار را نمیکند . ش ۱ به ش ۲ میگوید تپه رو من پشت  
 سرش میایم که این شخص را عقب طرا اندازد . ش ۸ مفرود داخل کبسه بود و  
 دستش روی ماشه است میگرد که خارج شود ش ۲ مفرود داخل حیاط و یک جیب میزند  
 ش ۸ همیشه سر او داخل حیاط مفرود ولی ش ۱ را داخل حیاط نمیبیند وقتی ش ۱  
 خواهد به در حیاط نزدیک شود تا که بان دو گلوله در دو طرف پایش زمین میخیزد . او  
 فکر میکند از ساختمان مقابل تیراندازی میشود ولی وقتی پر میگرد نمیبیند که پایش جلوی  
 در حال ایستاده ( از زمین خارج شده و احتمالاً صدای رفتن ش ۱ را شنیده که گفته تو  
 برو من عقب میایم ) و طرف او شلیک میکند فوری او از راه پایش میگریز و چون مسلسل تک تیر  
 بود مانند فنک آرا دستش میزد و تیراندازی میکند پایش وحشت زده بد داخل حال  
 فرار میکند . ش ۱ هم او را دنبال کرده و داخل حال پایش دو گلوله بطرف ش ۱ شلیک میکند  
 ش ۱ هم پنج گلوله بطرف او تیراندازی میکند . در این درگیری مقابل پایش گلوله میخورد  
 و در حالیکه بد و خودش میچرخد بطرف بالا شلیک میگرد و میگفت سوخته سوخته شد  
 میبیند که او تیر خورده و جلو میاید و سه یا چهار گلوله بطرف ش ۱ شلیک میکند پایش  
 در حالیکه سلاح در دستش بود به پشت میافتد . ش ۱ سریع از پایگاه خارج میشود و  
 داخل کوچه میرود هنوز چند قدم از درب کوچه دور نشده بود که متوجه میشود در مسیرش  
 یک نفر در چند قدمی او تیر میزند و شلیک داخل کوچه در یک شکاف سنگ گرفته است هر دو  
 سرش را از شکاف خارج میکند و طرف او تیراندازی میکند . ش ۱ در حالیکه به او نزدیک  
 میشود به سنگش تیراندازی میکند بطوریکه او جراً از تیراندازی سرش را از پشت دیوار خارج کرد  
 وقتی به مقابل او میرسد پایش دو گلوله بطرف ش ۱ شلیک میکند ولی چون ش ۱ متحرک بود  
 به او تیر خورد و ش ۱ مکن میکند و چهار گلوله بطرف ش ۱ پایش شلیک میکند و سریع از کوچه  
 خارج میشود ولی ش ۲ را نمیبیند . هنگامیکه ش ۱ با پایش در خانه دیگر بود ش ۱ از  
 پایگاه خارج شده و طرف سیر فرمان پایگاه میرود بعد اطلاع میشود شخصی که ش ۱ با  
 او داخل کوچه درگیر شده بوده همان فردی بود که از داخل پایگاه فرار کرده و ش ۱



بد هد که ماعین به چراغ فرزند دروازه دولاپ رسید و چون سر چراغ فرزند پایش بود از ماعین  
بیاده میخورد و بعد از پوش کردن دو ماعین از منطقه خارج میخورد . اول مسلسل را داخل  
یک پاکت گذاشته بعد از آنکه سالتیخورد و آنرا در داخل ساک میگذارد .

ش ۱ پس از جدا شدن از شهر از مسیر فرار می رود و پایش درگیر می شود . رفیق در این درگیری  
با دشمن شهید می گردد . رفیق به احتمال زیاد بعد از تیر خوردن خود شرا با نارنج زد

است . ش ۲ هیچ از اینک هند یگر را تکابل در حیات می بینند از مسیر فرار رفته و از  
منطقه دور می شوند . در همین موقع رفقای ش ۱ و ۲ و ۳ و ۴ داخل پایگاه مشغول تیر اندازی

– ری پایش بود و با پایش از اینک از شیشه شکسته اطلاق خارج می شوند در حالیکه اسلحه  
ش ۱ تیر اندازی نمی کرد و با اسلحه ش ۲ فقط سه گلوله داشت . و در دست راستش اسلحه و

قلبی بود و در دست چپش پوشنی و نارنج بین کتفده . داخل کچه می شوند و از مسیر  
فرار می روند (چندین بار روی مسیر فرار کتفده بود ) و از دست چپ کچه حرکت کرده

و به یک دروازه می رسند یک زن پیر میگوید که از آن طرف رفته و فلان جهت ممکن آنرا می روند به  
بعد از مدتی دودن به یک خرابه می رسند . ش ۲ و ۳ دودن و دو کلاهک داشتند که یک

پوش به ش ۱ میدهند و یک کلاهک به ش ۲ و سهیم از داخل خرابه پیدا میکنند و نارنج ش ۲  
و ۳ را که فقط کلاهک داشت سپه می کنند . شلوار ش ۱ خونی بوده همچنین پیراهن ش ۲

اسلحه او را استتار نمی کرد . رفقا تصمیم گرفتند از هم جدا شوند ش ۱ با ش ۲ و ش ۳ با ش ۴ می  
روند در اینجا ش ۱ به رفقا میگوید که من تیر خورده ام ش ۱ فکر میکند که پایش هم تیر خورده و

نمی داند که آنرا شیشه پاره کرده است . یک شلوار میخورد و ش ۱ داخل یک قزالت  
موزاییک سازی آنرا عوض میکند و داخل کچه فرعی شده و ش ۲ پای ش ۱ را پانسان میکند

و برای اینک دستش را پانسان کند تصمیم میگیرند که بطرف میدان خراسان بروند و سواره  
تاکسی می شوند و دوباره از جلوی پایگاه که درگیر شده بودند عبور میکنند . ش ۱ و ۲ می

بینند که سر کچه خیلی شلوغ است آنرا دساواکی با بوری داخل ماشینها هستند .

همچنین با آمدن و برنمیگردد اندش ۱ از آنکه میسر شده خبر استراندند میگوید  
 با خرابکار است یا سر یا زنگیری ش ۲ میگوید سر یا زنگیری است . ش او چه پارک خزانه فرج  
 - آباد میروند و در آنجا ش ۱ جو را بشرا در میارند و با بشرا با نمان کرده و کفش و جورا بش  
 را میبندد . حالا احساس ضعف میکند و میبینند خون از آستینش خارج شده میروند تا هار  
 میخورند و بعد به سینا میروند که استراحت کنند بعد از اینکه از سینا خارج شدند میروند  
 حمام که سرو وضعشان را مرتب میکنند و ش ۱ دستش را با نمان کند حای میگوید نمره خالی  
 دانم ولی هر نمره را بیهک نگریدیم با اول رفتا تعجب میکنند ولی بعد از چند لحظه متوجه  
 جریا نمیشوند . سوار تاکسی شده به بالای شهر میایند و میروند حمام و دستش ۱ را با نمان  
 - ان میکنند سرو وضعشان را مرتب میکنند و میروند سر قرار رفیق رابط ولی او را نمیبینند .  
 روز بعد با سازمان ارتباط میگیرند .

انتقاداتی که به رفتا وارد است .

۱ - رفیق ش ۵ وقتی از درخاچ میشود و متوجه میشود که پایگاه محاصره نیست بدون عوجا  
 کردن به مسئولیتش از منطقه خارج میشود ، در حالیکه مسئولیت رفتا و متر را داشت .  
 این رفیق بیایست بر میگشت و رفتا را در جریان میگذاشت این حرکت رفیق نشاندهنده  
 روحیه فردیش میباشد او در حالیکه مسئولیت هشت رفیق را بر عهده داشت سعی کرد خود  
 - شرا را از مهلك نجات دهد و دشمن را پشت سرش بگذارد آنچه مسلم است این رفیق در طو  
 - لغر سازمانش نتوانسته تربیت ایدئولوژیک شود و خصالتهای پرولتری کسب نماید در  
 اینجا به سازمانها انتقاد وارد است که چنین رفیقی را مسئول هشت رفیق کرده است .  
 سازمانها بطر حرکت نظامی رفیق چنین مسئولیتی بعهده او گذاشته بدون اینکه فداکاری  
 و شجوه رفتا را در او ببینند زمینه مادی دادن چنین مسئولیتی به رفیق به خصوصیا سازمان  
 بر میگردد و آن نشان از بیای زیاد دادن به افراد نظامی علاوه بر سازمان نبوده است در ضمن

۲ - علت اینکه سازمان به افراد نظامی بهای بیشتری میداد در رابطه با شلختی بود که از بهار  
 مسلحانه داشت و شرایط همین را فراهم میداده .

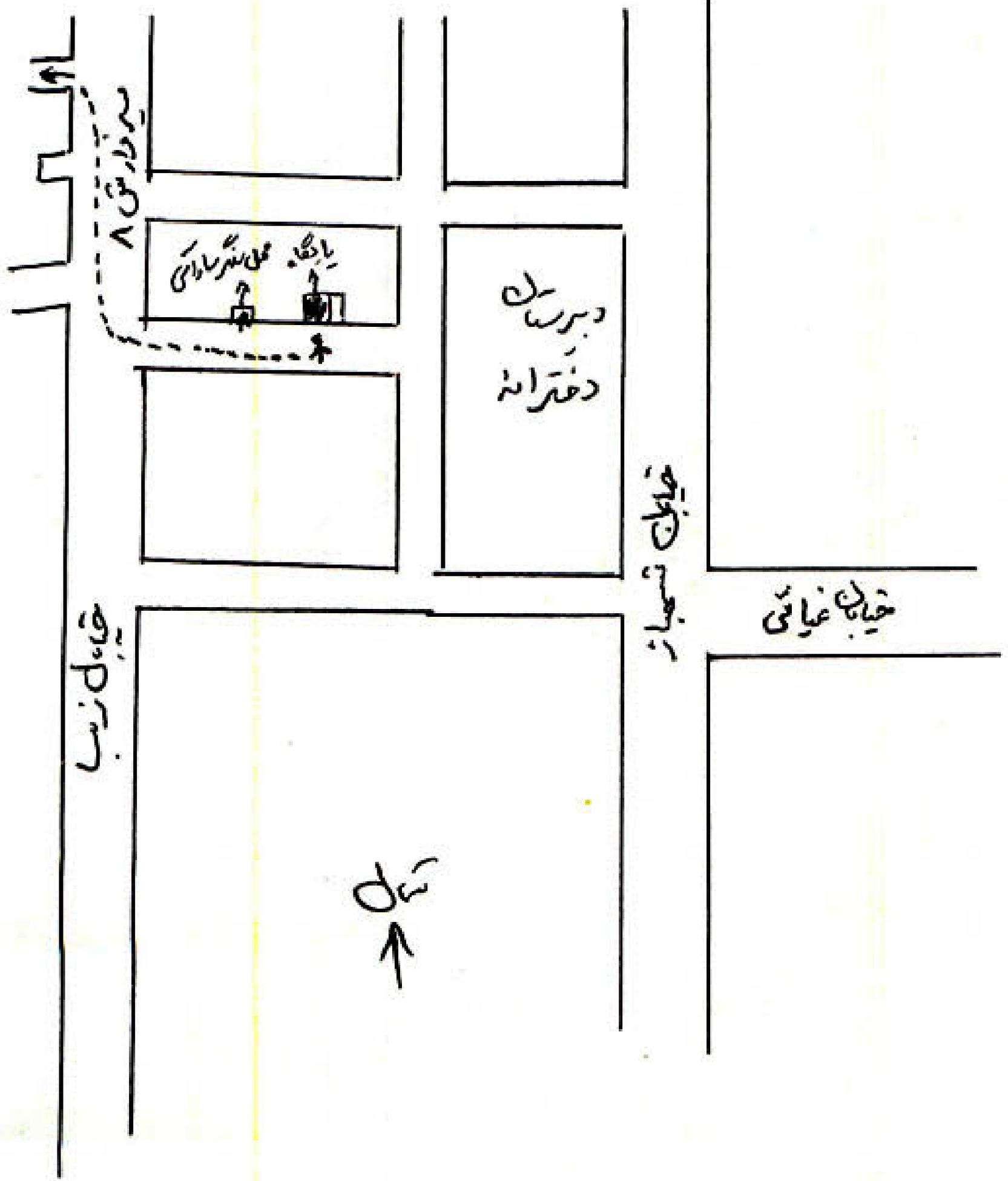
۲ - رفیق ش ۱ خشابش را جا میگذارد و <sup>فنی</sup> اسلحه گیر کرد خشاب اضافی را جا کرد ولی کلنگد نزد ، گیر کردن سلاحش باعث شد که تا حدودی نتواند خوب فکر کند در ضمن هنگام خروج به رفاکت که بین نارنجشان را بکشند این حرکت درست نبود ، زیرا اگر یکی از رفا میافتاد و نارنج از دستش رها میشد بقیه رفا قرار میزد ، اگر داخل کوجه با دشمن برخورد میکرد نمیتوانستند خوب عمل کنند چون سلاح ش ۱ گلوله داخل لولتر نبود رفیق ش ۳ هم در یک دستش اسلحه و قلنی و در دست دیگرش یک پوشنی و یک نارنج بین کشیده بود و در رفیق دیگر هم بیشترین مقدار فشنگشان را مصرف کرده بودند . همچنین این رفا میبایست طبق طرح دفاعی وقتی از دریا بگام خارج میشوند از سمت راست میرفتند نه از سمت چپ .

۳ - به رفیق ش ۸ انتقال وارد است که اولاً داخل زیر زمین نارنج را نیا نداخته ثانیاً اسلحه و محتویات جیب پلیر را نیاورد ، است .

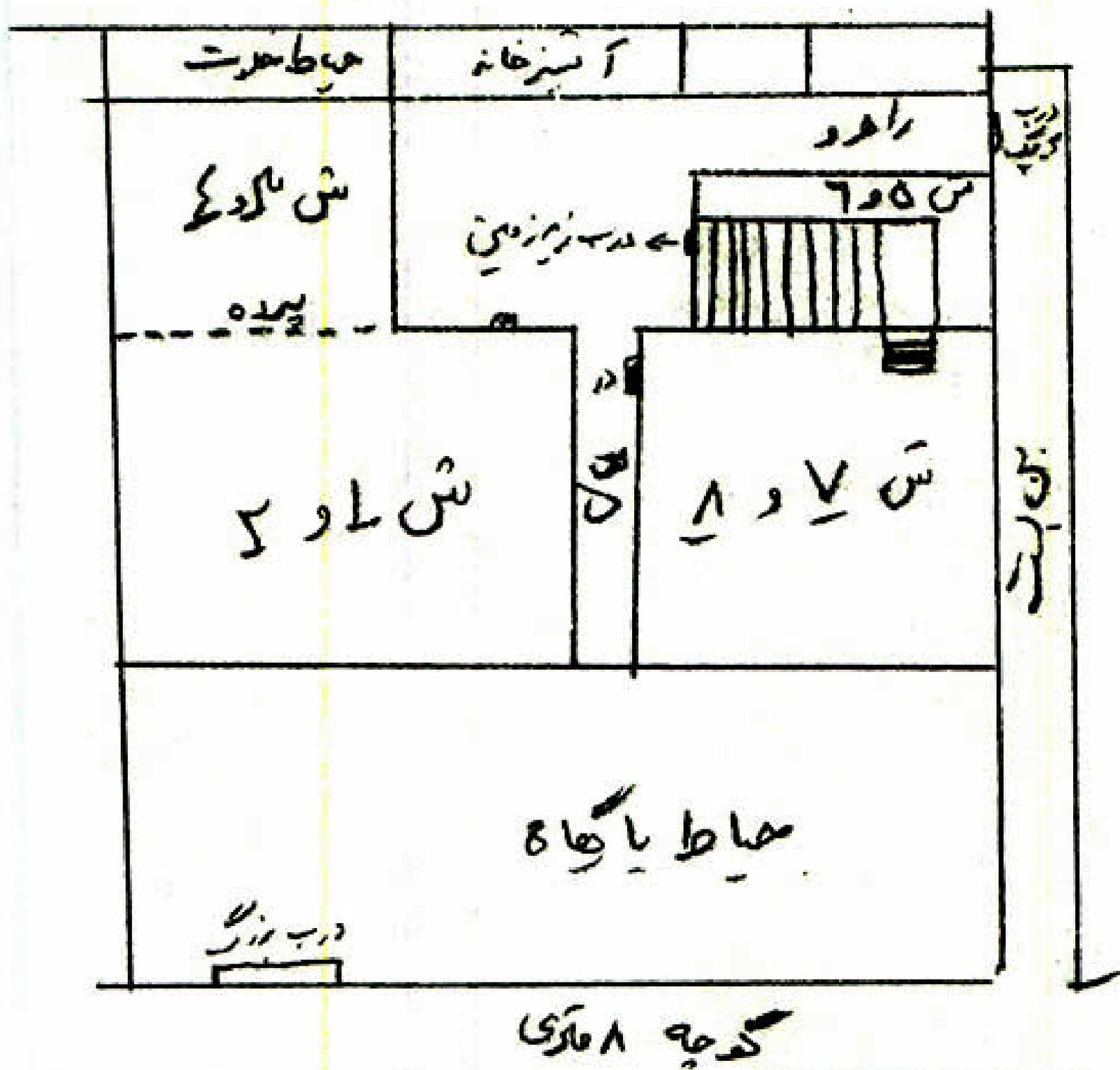
۴ - به ش ۷ انتقال وارد است که وقتی پلیس آمد در حیات باید به او میگفت چون در خانه مرد نیست ظهر بیاید و در را بروی آنها میبست . در این صورت رفاهای داخل فرصت بیشتری داشتند که تصمیم بگیرند .

۵ - به رفیق رابط انتقال وارد است که با حرکت ناچهار توجه همسایه ها را جلب کرده بود رفیق رابط چون رفیق دختر بود و رفاهای چشم بسته اگر آبسر بودند و رفت آمد های صبح زود بود یا شب و منطقه سنتی بود ، و زنها چادری ، ولی رفیق دختر گاهی بدون چادر میآمد این مشکوکیت را بوجود آورده است که این خانه عشرتکده است ، در ضمن چند روز قبل از درگیری تلفنهای مشکوکی به پایگاه میشد و وقتی گوشی را بر میداشتند از آن طرف صدائی نیامد - مد و منتظر بودند رفا صحبت کنند ، یک روز که تلفن کردند رفیق دختر رابط تلفن را برداشت و با خشونت جواب داد یک روز قبل از درگیری یک نفر داخل کوجه و نزد پلیس پایگاه از صبح تا ظهر قدم میزد که رفیق رابط را دوبار دیدش ۸ و ۷ مسئله تلفن را به رفیق رابط چند بار گفتند ولی او سهائی نداد کم به داد و بحرکات غیر توجیهی میوارد مشکوک مانند تلفن و وجود یک عنصر مشکوک ،

با هم ترکیب شدند و این درگیری را بوجود آوردند (۱) بعد از درگیری پایگاه رفیق رابط که  
 ورود داشته تلفن میزد و آن کسی گوش را برنیدارد و وارد منطقه درگیری میشود جریا نرا از  
 چند نفر میبرد یکی میگوید که یک پسرود دختر کشته شده اند . شخص دیگری میگوید که یک نفر  
 را دیده که جلد اسلحه در کمرش بوده و با اسلحه لگام زده است در اینجا رفتن رفیق به منطقه  
 درگیری درست نبود . مخصوصا در آن شرایطی که سازمان بوجود شرحی داشت . این  
 رفیق بعد از درگیری تهران نوبه منطقه تهر بود درگیری رفت بود و خوش خیال شده بود این  
 حرکت خارج از هوشیاری کتلی است (۲) رفیق رابط با سوالاتی که از مردم کرده بود این  
 نتیجه را گرفته بود که ش ۲ (۸) شهید شده اند و اسلحه از دست رفت است و همین برداشت  
 نادرست باعث میشود که سر قرار سازمانی ش ۸ نوبه رفیق مسئول ش ۸ با توجه به صحبتها  
 - رفیق رابط سر قرار تهر بود در نتیجه رفیق ش ۸ ارتباطش با سازمان قطع میشود ش ۸ هر  
 روز تهر و علامت میزند و قرار رفیق مسئول رفیق رابط و قرار سازمانی را اجرا میکند . ولی نتیجه اء  
 - ی نیگیرد . بلاخره بعد از هفت روز اتفاقی رفیق رابط را در خیابان میبیند و دوباره ارتباط  
 - ش با سازمان برقرار میشود . از این نظر که رفیق رابط با قرار رفیق ش ۸ برخورد درستی  
 نکرده با وانتقاد وارد است . حتی رفیق رابط یکبار قرار سازمانی را بر عهد ارد که علامت قرار  
 چک کند ولی یا در تهر بود (۳) در چنین مواردی بهتر است تصمیم گیری فردی نشود و این  
 مسئله در ارگانها لایق طرح و شکل جمعی تری تصمیم گیری میشود .



(۱۱)



۱ - علت اینکه چرا رقیب را به تلفتهای مشکوک و مرد مشکوک داخل کوجه (قبل از برگ  
گهی) بهائی نداده به خصوصیات درونیش برمیگردد در اینجا رقیب را به چهار  
د هنگری شده و بهای لا فرباید ضمن نداده است بر رقیب را بط نقتوانسته تحلیل شخصی  
از شرایط موجود پایگاه بنماید و همین شعبه رقیب را به باعث شد که یک رقیب دختر  
شهادت نمود در اینجا اتفاقا به سازنا نور هبیت گذر شده سازنا زیار د راسته چرا به  
چنین رقیب مسولیت داده است و چرا رقیب را در طول عمر سازنا نش پخته نکرده بعد  
با مسولیت بدهد بر رقیب را به دارای تجربه کافی برای گرفتن چنین مسولیتی نبوده است  
و این اتفاقا به کله هبیت گذر شده برمیگردد .

۲ - در اینجا رقیب را به بدون در نظر گرفتن موقعیت سازنا نش وارد مرحله منطقه برگ  
در گری میشود بنظر میرسد که این حرکت یک کوه جراحی است یک حرکت کوه راسته است  
امکان دارد به ضربه خورد و رقیب منجر شود در اینجا رقیب بخودش بهای زیادی داده  
است و تحلیل شخصی از اوضاع نکرده است یک اتفاقا به باید هر حرکتی منطبق با ضرورت  
جنبش باشد در غیر این صورت علاوه بر اینکه به جنبش سود نبر سازنا نش در هر سازنا نش برای  
برهیز کردن از هر حرکتی باید پرس شود که آیا این حرکت میتواند منافعی جنبش را در برداشتر  
باشد یا نه در صورتیکه با منافعی جنبش ها هنگی داشت آنرا انجام دهیم .

۳ - در اینجا رقیب را به با مسولیتش برخورد درستی نکرده و با مسئله سرسری و بطور  
لیبرالیستی برخورد کرده است هر ها کردن یک رقیب بی تجربه چه بهای به ضربه خوردن  
رقیب منجر میشد که این حرکت رقیب به ضعفهای گذر شده سازنا نش برمیگردد یعنی مسائل  
کا در ها بوسیله یک فرد حل میشد و او بود که تصه برمیگردد یعنی تمرکز قدرت در یک فرد و  
این شکل کار یعنی نفس ما تقوا لیم دموکراتیک است نه رار و حیه فرد همیشه از جمعی که  
معلقه به آن است سرچشمه میگردد و این ضعف رقیب را به به ضعف رهبریت گذر شده  
در حل مسائل کا در ها برمیگردد .

رئیس بنیاد طالب زاده شوشتری در این درگیریها به شهادت عرسید یادش گرامی باد .